آتا تیو

سال چهاردهم
دوره‌ی چهارم
شماره بیستم
آبان ۱۴۰۵

مصاحبه با روکن نقده، عضو هیئت‌مدیره کژار

- ژئولوژی؛ از دگرگونی ذهنیت تا خودمدیریتی جامعه
- بدون آزادی زن، جامعه آزاد شکل نمی‌گیرد
- آزادی زن، بنیاد دگرگونی جامعه



آلترناتیو

ارگان رسمی حزب حیات آزاد کوردستان/پژاک
آلترناتیو مجله‌ی سیاسی، ایدئولوژیک و اجتماعی
سال چهاردهم، دوره‌ی چهارم، شماره‌ی بیستم
آبان۱۴۰۵
OCTOBER 2026
۲۰
مرکز مطبوعات
حزب حیات آزاد
کوردستان

آثار نوشتاری، نظرات، انتقادات و پیشنهادات خویش را برای ما ارسال نمایید

تحریریه حق انتخاب و ویرایش آثار را برای خویش محفوظ می‌داند.

telegram:
PJAKMEDIACENTER
Gmail:
PJAKMEDIACENTER@GMAIL.COM

سخن سرآغاز

آزادی زنان، نقطه آغاز دگرگونی جامعه

جامعه‌ای که در آن زنان از آزادی، اراده و حق تصمیم‌گیری برخوردار نباشند، نمی‌تواند به آزادی و دموکراسی دست یابد. ریشه بسیاری از بحران‌های اجتماعی را باید در مناسبات مردسالارانه، ذهنیت سلطه‌گر و ساختارهایی جست‌وجو کرد که طی نسل‌ها، زنان را از مشارکت برابر در زندگی اجتماعی و سیاسی محروم کرده‌اند

ژنئولوژی با به چالش کشیدن این مناسبات، افقی برای بازشناسی تاریخ، هویت و اراده زنان می‌گشاید. این دانش، آزادی زن را به مسئله‌ای فردی محدود نمی‌کند، بلکه آن را با آزادی جامعه، بازسازی روابط اجتماعی و شکل‌گیری شیوه‌های دموکراتیک زندگی پیوند می‌زند.

امروز، در شرایطی که انقلاب «ژن ژیان آزادی» بار دیگر ضرورت دگرگونی بنیادین در ساختارهای سیاسی و اجتماعی را برجسته کرده است، سازمان‌یابی مستقل زنان و حضور فعال آنان در عرصه تصمیم‌گیری اهمیتی تعیین‌کننده دارد. هیچ تحول پایداری بدون مشارکت آگاهانه و سازمان‌یافته زنان و بدون به چالش کشیدن ذهنیت مردسالارانه امکان‌پذیر نخواهد بود

خودمدیریتی جامعه از پایین، تقویت کومین‌ها، کمیته‌ها و شوراهای محلی و گسترش همبستگی میان سازمان‌های زنان، از جمله زمینه‌های شکل‌گیری جامعه‌ای آزاد و دموکراتیک است؛ جامعه‌ای که در آن زنان نه تابع ساختارهای قدرت، بلکه نیروی مؤثر در تعیین سرنوشت خویش و جامعه باشند.

شماره بیستم مجله «آلترناتیو» با تمرکز بر این مسائل و در گفت‌وگو با رکن نقده، عضو هیئت‌مدیره کژار، تلاشی است برای گشودن بحثی درباره ژنئولوژی، آزادی زنان و ضرورت دگرگونی ذهنیت و مناسبات اجتماعی؛ بحثی که فراتر از نقد وضعیت موجود، به جست‌وجوی راه‌های ساختن جامعه‌ای آزاد و خودمدیر می‌پردازد



مصاحبه

مصاحبه‌ی اختصاصی با
رفیق روکن نقده
(عضو هیئت‌مدیره کژار)

روکن نقده، عضو هیئت‌مدیره جامعه آزاد زنان شرق کوردستان (کژار)، موضوعاتی همچون مبانی ژنئولوژی، ضرورت آزادی زنان، پیامدهای ذهنیت مردسالارانه، خشونت علیه زنان و نقش سازمان‌یابی زنان در تحولات اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است.

آلترناتیو: رفیق روکن، برای شناخت واژه و مفهوم ژنئولوژی، خود شما به‌عنوان یک فعال، چه گامی را در سطح فردی و در میان اطرافیان نزدیکتان آغاز کرده‌اید تا این تئوری از سطح گفتار به عرصه عمل تبدیل شود؟

روکن نقده: پرسش بسیار ساده و به‌جایی است؛ زیرا من نیز بارها دقیقاً به این موضوع فکر کرده‌ام که طرز تفکر من پیش و پس از آشنایی با ژنئولوژی چه تفاوتی کرده است. ما هنگامی که متولد می‌شویم، در چارچوب خانواده‌ای رشد می‌کنیم که دیدگاه طبقاتی در آن حاکم است. هنگامی که انسان‌ها با تفکر جنس یک و جنس دو شکل می‌گیرند، شیوه برخورد، واژگان، لحن و جملاتی که به کار می‌برند، اغلب تحقیرآمیز است. در زندگی روزمره، با شوخی‌ها و گفتمان جنسیت‌زده، شخصیت انسان‌ها، به‌ویژه زنان، زیر سؤال می‌رود.

اعتراض من به چنین ذهنیتی از زمانی جدی‌تر شد که با اندیشه رهبر آپو آشنا شدم. به‌ویژه با شناخت دانش زن، ژنئولوژی، توانستم تمام پرده‌هایی را که در برابر چشم و ذهنم قرار داشتند، کنار بزنم و واقعیت را واضح‌تر ببینم. ژنئولوژی دانش زندگی آزاد است و این به معنای تمایز میان زندگی صحیح و نادرست است. از روزی که با دیدگاه ژنئولوژی به خودم به‌عنوان زن، به زنان، مردان، جامعه، نظام، طبیعت و دیگر پدیده‌ها نگاه می‌کنم، همه‌چیز برایم بسیار متفاوت شده است و درمی‌یابم که همه این عرصه‌ها به مبارزه نیاز دارند

بدون شک، مفهوم ژنئولوژی با شیوه زندگی آزاد پیوند دارد. هنگامی که در مسیر حیات آزاد، مفهوم یک گفتار یا طرز فکری را نادرست تشخیص می‌دهیم، باید از ریشه و معنای آن آگاه باشیم و این آگاهی را به اطرافیان خود نیز منتقل کنیم. من در این زمینه، ابتدا با خودم مبارزه می‌کنم و سپس درباره ذهنیتی که در پس آن رفتارها و گفتارها وجود دارد، با دیگران به بحث و گفت‌وگو می‌پردازم. می‌توانم با اطمینان بگویم که روزبه‌روز تغییرات جدی و محسوسی را در زبان و شیوه زندگی خودم و اطرافیانم مشاهده می‌کنم. زیرا در فعالیت‌ها و کارهای روزانه خود با

ساختارهای ذهنی مختلفی مواجه می‌شوم و آنچه را که به پیشرفت انسان، معنا بخشیدن به زندگی و شکل‌گیری

انقلاب ذهنی‌ای که در چارچوب دانش زن آغاز کرده‌ایم ریشه‌ای، عمیق و ماندگار است؛ چراکه محتوای آن بر مبارزه‌ای روزانه استوار خواهد بود خطرناکتراست

جامعه‌ای آزاد مربوط است، با وضوح بیشتری می‌بینم. انقلاب ذهنی‌ای که در چارچوب دانش زن آغاز کرده‌ایم، ریشه‌ای، عمیق و ماندگار است؛ چراکه محتوای آن بر مبارزه‌ای روزانه استوار خواهد بود.

آلترناتیو: ژنئولوژی به‌عنوان «دانش زن و زندگی»، چه تأثیری می‌تواند بر تحولات ساختاری جامعه داشته باشد و چگونه زمینه را برای ایجاد فرهنگی دموکراتیک و مبتنی بر آزادی زنان فراهم می‌کند؟

روکن نقده: ژنئولوژی در واقع تمام علوم و فلسفه‌هایی را که تحت حاکمیت مردسالاری قرار گرفته‌اند، مورد نقد قرار می‌دهد و زن را از زیر آوار فلسفه‌گرایی و علم‌گرایی بیرون می‌کشد تا بار دیگر به وجود زن و جایگاه او معنا ببخشد. از سوی دیگر، ارتباط میان زن و زندگی را نیز مورد بحث و گفت‌وگو قرار می‌دهد و در این راستا، به این پرسش می‌پردازد که زنان چگونه می‌توانند بار دیگر نقش واقعی خود را در جامعه ایفا کنند.

زیرا این زنان هستند که با پذیرش مسئولیت، در شکل‌گیری زیربنای اجتماعی جامعه و انسانیت، گام‌های فکری و عملی برمی‌دارند. هوش عاطفی و قدرت تحلیل زنان تا آن اندازه رشد می‌کند که می‌توانند احساس مسئولیت اجتماعی را در روح و اندیشه یکایک انسان‌ها نهادینه کنند. زندگی‌ای که به آن محتوای اخلاق و سیاست بخشیده می‌شود، به شخصیت انسان و جامعه معیارهای اتیک و استاتیک می‌دهد

به همین دلیل می‌توانم بگویم که بله،

زنان در تمام تحولات اجتماعی تأثیرگذار خواهند بود؛ زیرا دیگر قرار نیست پشت هر مرد موفقی، زنی حضور داشته باشد. زنان به‌عنوان پیشاهنگان ساختار جامعه دموکراتیک گام برمی‌دارند و در آینده نیز این گام‌ها سازمان‌یافته‌تر و نیرومندتر خواهند بود. اساساً وجود زنانی که روزبه‌روز در جامعه آگاه‌تر می‌شوند، به این معناست که زنان در سطحی بسیار بالاتر به آزادی خود دست یافته‌اند.

آلترناتیو: در مواجهه با پدیده قتل‌های ناموسی، منتقدان بر این باورند که واکنش‌ها اغلب به صدور بیانیه‌های مقطعی محدود می‌ماند. برای شکستن این سکوت ریشه‌دار در جامعه سنتی، چه راهکارهای عملیاتی و میدانی در نظر دارید؟

روکن نقده: تا حدودی این انتقاد درست است؛ اما این مسئله درباره سازمان‌ها و تشکل‌های زنان و همچنین سازمان‌های حقوق بشری در نقاط مختلف صدق می‌کند. زیرا برخی برای انجام وظیفه خود بیانیه صادر می‌کنند و برخی دیگر نیز از سر دلسوزی و نفرت از نظام عقب‌مانده و سنتی دست به چنین اقدامی می‌زنند. در هر صورت، واکنش‌های دیجیتالی و نوشتاری نیز تا حدودی تأثیرگذارند؛ اما آن‌قدر رادیکال نیستند که بتوانند با رسوم و ذهنیت عقب‌مانده‌ای مقابله کنند که در طولانی‌مدت، زنان را با مفهومی نادرست به بند کشیده است.

ژنئولوژی تمام علوم و فلسفه‌هایی را که تحت حاکمیت مردسالاری قرار گرفته‌اند مورد نقد قرار می‌دهد و زن را از زیر آوار فلسفه‌گرایی و علم‌گرایی بیرون می‌کشد تا بار دیگر به وجود زن و جایگاه او معنا ببخشد

مفهوم ناموس، واژه‌ای یونانی و به معنای قانون خانه زن است؛ یعنی اقتصاد. چگونه این مفهوم به خنجری تبدیل شده است که هر روز شخصیت، روح، اندیشه و غرور زن را بی‌دلیل به محکمه

می‌کشاند؟ بی‌عدالتی‌ای که در اثر جهل و ناآگاهی، همچون کرمی ذهن جامعه را می‌خورد، زمینه را برای پذیرش چنین وحشتی فراهم کرده و به مردان اجازه داده است تا به چنین رفتارهایی دست بزنند.

ما شاهد بخشی از جامعه هستیم که در برابر این دوگانگی فکری، تابوها و رسوم بی‌معنا را می‌شکند، از تاریکی مطلق رها می‌شود و به مبارزه روی می‌آورد. در این بخش از جامعه، زنان و مردان دست در دست یکدیگر می‌گذارند، به برابری میان زن و مرد باور دارند و برای تحقق آن مبارزه می‌کنند. در چنین فضایی است که زندگی مشترک آزاد مورد بحث قرار می‌گیرد.

آنچه تمام جامعه را در خوابی هولناک فرو می‌برد، همین دین‌گرایی، فلسفه‌گرایی و علم‌گرایی است که موجب شکل‌گیری سکوتی ترسناک می‌شود. آگاهی تاریخی، نگاه بی‌طرفانه به تاریخ، شناخت زن و نقش او، شناخت مرد و نقش او در برده‌سازی زنان و سلطه بر جامعه، و همچنین شناخت دلایل و چگونگی استفاده ابزاری از دین، فلسفه و علم، از جمله راهکارهایی هستند که می‌توانند به شکستن این سکوت ریشه‌دار کمک کنند و ما را قادر سازند در برابر قاتلان زن و زندگی بایستیم و به آنان نه بگوییم.

آلترناتیو: این پرسش همواره مطرح است که تا چه زمانی باید هزینه‌های سنگین فعالیت‌های مدنی و امنیتی پرداخت شود، بدون آنکه دستاورد ملموسی در بهبود وضعیت روزمره مردم حاصل گردد؟ این فشارهای امنیتی چه پیامدهای روانی و اجتماعی برای زنان و اقشار آسیب‌پذیر به همراه دارد؟

روکن نقده: درست است که جامعه به وضعیتی رسیده است که طرح چنین پرسش‌هایی در آن امری قابل انتظار است؛ زیرا مردم در برابر رژیم ضد اجتماعی، قیام‌ها، اعتراضات و واکنش‌های گوناگونی را تجربه کرده و هزینه‌های مادی و معنوی بسیاری پرداخته‌اند. با این حال، رژیم همچنان بر سر کار است و از تمام نیروهای باقی‌مانده خود علیه مردم استفاده

می‌کند. با وجود آنکه توان لازم برای ادامه حیات نظام را ندارد، می‌کوشد تا آخرین لحظه به نیروهای مقاومت و مبارزان اجتماعی ضربه بزند.

چنین تصاویری ممکن است بر بخشی از جامعه تأثیر مثبت بگذارند. در چنین شرایطی، هرگونه نگرانی قابل درک و ارزشمند است؛ زیرا این وضعیت بر

زنان نباید قربانی باقی بمانند با وجود فشارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی، زنان می‌کوشند با اتکا به نیروی درونی و توان سازمان‌یابی خود، به نیرویی اثرگذار در جامعه تبدیل شوند

روح و روان جوامعی که در حال مبارزه و انقلاب‌اند، تأثیرات مثبت و منفی بر جای می‌گذارد. من به‌هیچ‌وجه نمی‌گویم این وضعیت عادی است؛ بلکه این سخن را از سر درک عمیق شرایط بیان می‌کنم. من نیز فرزند همین جامعه و فرهنگ هستم و سختی‌ها و ستم‌هایی را که مردم، به‌ویژه زنان و شهروندانی که برای سرزمینی آزاد و برابر مبارزه می‌کنند، تحمل می‌کنند، می‌شناسم.

امروز نه‌تنها زنان، بلکه همه مردم زیر فشارهای سیاسی، اقتصادی، اخلاقی و فرهنگی قرار دارند و بسیاری اوقات حتی امیدی به فردا ندارند؛ زیرا نظام مردسالار از هر سو حمله می‌کند. زنان برای تأمین امنیت خود و فرزندانشان سختی‌های بسیاری را تحمل می‌کنند، اما در عین حال به نیروی درونی خود و توان سازمان‌یابی زنان امید دارند. آنان دیگر نمی‌خواهند تنها قربانی جنگ و فقر باشند؛ بلکه تلاش می‌کنند حتی در سخت‌ترین شرایط نیز به‌عنوان نیرویی عینی و اثرگذار، نقش واقعی خود را ایفا کنند. این جنبه‌های مثبت به کودکان و دیگر اقشار جامعه نیز روحیه می‌بخشد. به همین دلیل، می‌کوشند هیچ قشری در جایگاه آسیب‌پذیر و بی‌دفاع باقی نماند؛ زیرا پذیرفتن چنین جایگاهی به ستمگران امکان می‌دهد سلطه، نابرابری، ناامیدی و سکوت را تداوم بخشند.

آلترناتیو: نقش نهادها و تشکل‌های زنان در فرآیند خشونت‌زدایی از جامعه را چگونه ارزیابی می‌کنید و آیا آن‌ها توانسته‌اند به رسالت خود در این زمینه به‌درستی عمل کنند؟

روکن نقده: متأسفانه تشکل‌ها و نهادهای زنان نیز گاهی تحت تأثیر ذهنیت مردسالارانه قرار می‌گیرند. اگر درباره تشکل‌ها و نهادهایی صحبت کنیم که زیر نظر دولت شکل گرفته‌اند، باید گفت این نهادها برای حل مشکلات و آگاه‌سازی زنان گام مؤثری برنمی‌دارند. اما نهادهایی که خارج از ساختار رسمی نظام شکل گرفته‌اند، تلاش‌های ارزشمندی برای جلوگیری از خشونت در جامعه انجام می‌دهند. با این حال، این تلاش‌ها هنوز محدود و ضعیف‌اند و برای تغییر ذهنیت جنسیت‌زده در جامعه مردسالار کفایت نمی‌کنند.

سازمان‌های زنان تاکنون هرکدام به‌طور مستقل و در حد توان خود فعالیت کرده‌اند؛ به همین دلیل نتوانسته‌اند اتحاد و سازمان مشترکی ایجاد کنند تا به شکلی نیرومند از حقوق زنان دفاع کنند. می‌توان گفت در سال‌های اخیر گام‌های مثبتی در این زمینه برداشته شده است. ما نیز به‌عنوان کژار، بی‌وقفه تلاش می‌کنیم نقش پیشاهنگی خود را از هر جهت ایفا کنیم. برای متحد کردن تمام سازمان‌ها و نهادهای زنان، هر فداکاری‌ای را انجام خواهیم داد تا بتوانیم در ذهنیت خشن و سنتی جامعه تغییر ایجاد کنیم.

آلترناتیو: ریشه‌های خشونت علیه زنان را از چه ابعاد تاریخی و ایدئولوژیکی ارزیابی می‌کنید و چه راهکارهای بنیادی برای ریشه‌کن کردن آن پیشنهاد می‌دهید؟

روکن نقده: تاریخ خشونت علیه زنان، از دیدگاهی که در اینجا مطرح می‌کنم، به دوره‌ای بازمی‌گردد که مردان شکارچی در زمینه شکار حیوانات، از نظر ذهنی و تاکتیکی، شیوه‌ها و ابزارهای تازه‌ای پدید آوردند. با گذشت زمان، شکار حیوانات دیگر پاسخ‌گوی خواسته‌های آنان نبود و طمع و میل به تصرف هرآنچه در پیرامونشان قرار داشت، گسترش یافت. توان فکری و تاکتیک‌هایی مانند تله‌گذاری، به آنان احساس شکست‌ناپذیری می‌داد و

هـر شـکار بـزرگ، غرورشـان را تـا حـد خـدایی بـالا می‌بـرد. آنـان نیـروی جسـمانی خـود را اصـل و مبنـای هسـتی و نشـانه‌ای از خداگونـگی تلـقی کردنـد.

در ایـن رونـد، خـود را صاحـب حـق زنـدگی دیگـر موجـودات زنـده دانسـتند و به‌ویـژه بـه جوامـع زن‌محـور حملـه کردنـد. بـا غـارت زنـان و دارایی‌هـای سـاده آنـان و به‌خصـوص بـا کشـتن مـردان جـوان و خـوردن گوشتشـان، وحشـت ایجـاد می‌کردنـد. جوامـع در برابـر ایـن خشـونت مقاومـت گسـترده‌ای نشـان دادنـد. بـا ایـن حـال، سلاح‌هـایی ماننـد خنجـر، سـرنیزه و چاقـو کـه از سـنگ ابسیدیـن سـاخته می‌شـدند، تنهـا تـا انـدازه‌ای می‌توانسـتند در ایـن مقاومـت مؤثـر باشـند. سلاحی کـه می‌بُـرد و می‌کُشـد، تـرس و وحشـت بـه همـراه می‌آورد. همان‌گونـه کـه امـروز نیـز جامعـه در برابـر هواپیماهـا و تانک‌هـای ارتش‌هـای دولـتی بـا دشـواری می‌توانـد از خـود دفـاع کنـد، زنـان و جوامـع آن دوران نیـز در برابـر نیـروی نظـامی مهاجمـان بـا محدودیت‌هـای جـدی روبـه‌رو بودنـد

در ایـن روایـت، ریشـه‌های ایـن وحشـت بـه حـدود ۱۷ هـزار سـال پیـش نسـبت داده می‌شـود و از گوبکلی‌تپـه در اورفـا به‌عنـوان یـکی از نشـانه‌های شـکل‌گیری سـلطه و برده‌سـازی زنـان یـاد می‌شـود؛ رونـدی کـه رهبـر آپـو آن را بـا مفهـوم نسـل‌کشی زنـان توضیـح می‌دهـد. شـکل‌گیری نیـروی سـلطه‌گر در برابـر سـاختار اجتمـاعی، تصـادفی نبـود، بلکـه در ایـن تحلیـل، اقـدامی هدفمنـد علیـه نظـام اجتمـاعی الهـه‌زن بـه شـمار می‌رفـت.

خشـونت علیـه زنـان ریشـه تاریـخی دارد

سـلطه بـر زنـان در رونـدی تاریـخی و ایدئولوژیـک شـکل گرفتـه اسـت و رهـایی از آن بـا شـناخت ایـن تاریـخ، بازگشـت زنـان بـه خویشـتن و بازیـابی قـدرت و اراده آنـان پیونـد دارد

ایـن خشـونت بـا زنـدانی کـردن زنـان و تصاحـب حـق تجـاوز بـه آنـان ادامـه یافت. کشـتن الهه‌هـا و آسـیب رسـاندن بـه پیکـر آنـان نیـز ابـزاری بـرای ایجـاد تـرس و وادار کـردن جامعـه بـه تسـلیم بـود.

در حدود شش هزار سال پیش، سومریان این خشونت را به ایدئولوژی نظام خود تبدیل کردند. افسانه‌سازی و به‌کارگیری ساختارهای دینی برای جذب و فریب جوامع، بخشی از این روند بود. همچنین، مکان‌هایی که ابتدا برای آموزش زنان در زمینه‌های گوناگون به کار گرفته می‌شدند، بعدها به فضاهایی برای بهره‌کشی جنسی از زنان تبدیل شدند؛ روندی که در این تحلیل به بازی ایدئولوژیک کاهنان نسبت داده می‌شود. بدین ترتیب، خشونت علیه زنان به‌تدریج شکل و ماهیتی تاریخی و ایدئولوژیک پیدا کرد و با ظهور نظام سرمایه‌داری به اوج تازه‌ای رسید.

راه ریشه‌کن کردن این نظام خشونت‌آمیز، از این منظر، بازگشت زنان به خویشتن و بازیابی قدرت و اراده خویش است. هنگامی که زنان این تاریخ آکنده از خشونت را بشناسند و فرهنگ مقاومت الهه‌ها را بازخوانی کنند، به نیروی نهفته خود دست خواهند یافت. تحقق این امر به زنانی آگاه و جامعه‌ای آگاه نیاز دارد تا بتوانند دسیسه‌ها و سازوکارهای فریبکارانه دینی و علمی را آشکار کنند. امروز زنان کورد جایگاهی پیشاهنگ در مبارزه یافته‌اند و در برابر مردسالاری و ستم ایستاده‌اند. زن سازمان‌یافته، هویت جامعه آزاد است؛ فروپاشی نظام خشونت‌آمیز با رهبری زنانی ممکن خواهد شد که مسئولیت هدایت جامعه را بر عهده می‌گیرند. این نیز به معنای جامعه‌ای است که خود رهبری خویش را به دست می‌گیرد.

آلترناتیو: چشم‌انداز یک جامعه خودمدیر با حضور فعال و اثرگذار زنان در ایران را چگونه تحلیل و ارزیابی می‌کنید؟

روکن نقده: همان‌طور که در پرسش پیشین اشاره کردم، این نقش زنان است که به دموکراتیک بودن جامعه و توانایی آن برای خودمدیریتی معنا می‌بخشد. هرچه زنان آگاه‌تر و فعال‌تر شوند، عدالت و زندگی مشترک در جامعه برجسته‌تر خواهد شد. ایران سرزمین زنان بوده است. در تاریخ شکل‌گیری زندگی اجتماعی انسان، در دامنه‌های زاگرس و توروس ــ که بخش مهمی از آن در محدوده ایران قرار دارد ــ زنانِ الهه در رهبری این روند نقش داشته‌اند. به همین دلیل، ایران از

فرهنگ و هنر، مقاومت و قیام، و اخلاق و سیاست اجتماعی نیرومندی برخوردار است.

زنان با تکیه بر نیروی خود می‌توانند نقش اصلی را در خودمدیریتی ایفا کنند؛ زیرا از توانایی و ظرفیت لازم برای پذیرفتن مسئولیت اجتماعی برخوردارند. مادرِ جامعه نماد همبستگی و هماهنگی در عین تفاوت‌هاست. اینکه جامعه

زنان نیروی اصلی خودمدیریتی جامعه‌اند
آگاهی و مشارکت فعال زنان می‌تواند عدالت و زندگی مشترک را تقویت کند و زمینه مدیریت جامعه بر پایه اراده و مسئولیت جمعی را فراهم سازد

مدیریت امور خود را بر عهده بگیرد، به معنای حفاظت از حافظه خویش نیز هست. همه می‌دانیم که زنان حافظه جامعه را تا امروز منتقل کرده‌اند. از این رو، نقش پررنگ زنان در ایران به انتقال ارزش‌ها و معیارهای اجتماعی از گذشته تا امروز کمک کرده است. انقلاب زن، با فلسفه «ژن ژیان آزادی»، دارای زیربنایی تاریخی است. زنان با تکیه بر این حقیقت می‌توانند در سیاست و برنامه‌ریزی برای تحولات ایران نقش رهبری داشته باشند. همان‌گونه که در مقاومت و مبارزه سرسختانه انقلاب زن شاهدیم، مشارکت پررنگ و فعال زنان می‌تواند جامعه را از بند سلطه و بردگی رها سازد تا مدیریت زندگی و سرنوشت خود را به دست گیرد.

آلترناتیو: مفهوم «خودمدیریتی از پایین» در فضایی که ساختارهای سنتی و محدودیت‌های همه‌جانبه مانع ایجاد می‌کنند، دقیقاً در عمل به چه معناست و چگونه می‌توان آن را پیاده کرد تا به شعاری توخالی تبدیل نشود؟

روکن نقده: خودمدیریتی یعنی جامعه بتواند خود باشد و امور خویش را اداره کند. ساختارهای سنتی و محدودکننده، جوامع را از حافظه تاریخی و معیارهای اخلاقی و سیاسی تهی می‌کنند. در چنین شرایطی، معیارها

و قوانین ساختاری از سوی نظام‌های حاکم بر جامعه تحمیل می‌شوند و مردم به‌تدریج توان اعتراض و واکنش را از دست می‌دهند؛ زیرا با گذشت زمان به وضعیت موجود عادت می‌کنند و دلیلی برای ایستادگی در برابر آن نمی‌بینند. چنین جامعه‌ای، از این منظر، جامعه‌ای مرده است؛ زیرا دیگر درد بردگی را احساس نمی‌کند و پوسیدگی، پیکره آن را از درون فرسوده می‌سازد.

در چنین وضعیتی، نهادهای اجتماعی، از خانواده تا روستا و شهر، باید برای آگاه‌سازی مردم به‌صورت جمعی اقدام کنند؛ از جمله با برگزاری سمینار، نمایش مستند درباره خودمدیریتی و سازمان‌دهی، برگزاری دوره‌های آموزشی کوتاه، تولید فیلم و ترانه و اجرای تئاتر و نمایش‌های خیابانی. در مراحل بعد می‌توان تشکیل تشکل‌های محله‌ای را آغاز کرد. هر یک از اعضای خانواده می‌تواند در کمیته یا گروهی که تشکیل می‌شود، مشارکت کند. این کمیته‌ها مانند خانه‌های یک کندوی زنبورعسل به یکدیگر متصل می‌شوند.

هر گروه یا کومین می‌تواند از میان اعضای خود نماینده‌ای انتخاب کند تا مجلسی متشکل از نمایندگان کومین‌ها و کمیته‌ها شکل بگیرد. این مجلس مسئول ایجاد پیوند میان بخش‌های مختلف جامعه و پیگیری درخواست‌ها و پیشنهادهای روستا یا شهر است. نمایندگان می‌توانند دیدگاه‌ها و پیشنهادهای جامعه را به مجلس منتقل کنند و تصمیم‌ها و پیشنهادهای مجلس را نیز به کمیته‌ها و کومین‌ها بازگردانند. مجلس می‌تواند درباره برخی امور تصمیم‌گیری کند؛ اما اگر کومین یا کمیته‌ای با تصمیمی موافق نباشد، حق دارد آن را نقد کند و حق رد کردن تصمیم نیز، جز در موارد بسیار نادر، محدود نخواهد بود؛ آن هم در شرایطی که جامعه قادر به اتخاذ تصمیم یا ارائه نظر درست نباشد.

حوزه‌هایی مانند اقتصاد، بهداشت، سیاست، دفاع ذاتی، فرهنگ و هنر، آموزش‌وپرورش و ثبت احوال، همچنین کمیته‌های زنان، جوانان، سالمندان، کودکان و نوجوانان، می‌توانند در میان کومین‌ها و کمیته‌ها سازمان‌دهی شوند. هر بخش، ضمن برخورداری از اراده و مسئولیت ویژه خود، در قبال اراده و مسئولیت مشترک نیز پاسخ‌گو خواهد

بود. هر مشکلی که در جامعه پدید آید، کمیته‌ها، کومین‌ها یا همان مجلس محلی می‌توانند برای حل آن اقدام کنند. به این ترتیب، جامعه همه‌چیز را از دولت انتظار نخواهد داشت و اراده آزاد را در عمل به دست خواهد آورد. در چنین شرایطی دیگر نیازی به تکرار شعار نیست؛ زیرا جامعه این واقعیت را در زندگی خود عملی می‌کند.

آلترناتیو: چگونه می‌توان ادعای استقلال کامل از احزاب و کانون‌های قدرت داشت، در حالی که در میدان عمل، گاهی این مبارزات به‌سوی منازعات سیاسی کلان کشیده می‌شوند؟

روکن نقده: استقلال کامل از اندیشه مستقل سرچشمه می‌گیرد. اگر حزب یا نهادی برنامه و راهبردی مستقل نداشته باشد و نتواند آن را با جامعه در میان بگذارد، دستیابی به قدرت و تحقق اهدافش دشوار خواهد بود. البته کانون‌های قدرت جای ادعای استقلال نیستند؛ زیرا آن‌ها نیز به شیوه‌ای دیگر و با زبانی متفاوت در پی حاکمیت هستند. هنگامی که تضادها بر سر منافع و قدرت شکل می‌گیرند، میدان عمل به عرصه منازعات بزرگ سیاسی تبدیل می‌شود.

یکی دیگر از عوامل این وضعیت، تفکر کلاسیک و تنگ‌نظری در نگاه به سیاست، استقلال، اتحاد و آزادی است. چنین تفکری به اتحاد باور ندارد و به داشتن خانه‌ای کوچک، روستا یا شهری محدود که فقط به همان جریان

استقلال سیاسی از اندیشه مستقل آغاز می‌شود احزاب و نهادها برای تحقق اهداف خود به برنامه و راهبرد مستقل نیاز دارند و باید به‌جای رقابت‌های محدود حزبی، در کنار جامعه و در خدمت آن حرکت کنند

تعلق داشته باشد، قانع است؛ یعنی جهانی کوچک با دیدگاهی بسته که در آن مسئول حزب یا مختار، خود را صاحب‌اختیار همه‌چیز می‌داند. میدان عمل به خدمت به جامعه و حرکت در

کنار آن نیاز دارد، نه به درگیری‌های حزبی و رقابت‌های کلاسیک بر سر کوچک‌ترین منفعت.

آلترناتیو: منتقدان معتقدند جریان‌ها و تشکل‌های منتسب به این تفکر، خود تا چه اندازه توانسته‌اند ساختارهای مردسالارانه و درون‌گروهی خود را نقد و اصلاح کنند؟

روکن نقده: اگر انتقادها با هدف اصلاح مطرح شوند، می‌توان آن‌ها را درک کرد؛ اما اگر واکنش‌ها تحت تأثیر جنگ ویژه‌ای باشند که سال‌هاست بر ذهن و تفکر مردم تأثیر می‌گذارد، موضوع متفاوت خواهد بود. آنچه می‌توانم بگویم این است که تشکل‌ها و جریان‌ها، اگر از تفکری مسئولیت‌پذیر برخوردار باشند، باید همواره معیارهایی برای نقد و اصلاح درونی داشته باشند. آن‌ها هنگامی که فعالیت خود را برای مردم و کشور آغاز می‌کنند، مسئولیتی بر عهده می‌گیرند؛ بنابراین، اگر از نظر سیاسی و اجتماعی انعطاف‌پذیر نباشند، ممکن است خود به نیرویی در مقابل جامعه تبدیل شوند

یکی از ساختارهای سخت و انعطاف‌ناپذیر، همین ساختار مردسالارانه است که ذهن را به تکه‌ای آهن تبدیل می‌کند که گویی ذوب‌شدنی نیست. ما نیز به‌عنوان کژار می‌توانیم بگوییم که

نقد درونی شرط تغییر اجتماعی است

تشکل‌ها و جریان‌ها باید معیارهای دائمی برای نقد و اصلاح خود داشته باشند؛ زیرا بدون مقابله با ذهنیت مردسالارانه در درون، تغییر در عملکرد و مناسبات اجتماعی ممکن نخواهد بود

برای اصلاح ذهنیت مردسالارانه، پیوسته مبارزه می‌کنیم و معیار نقد و بازنگری را در خود حفظ می‌کنیم. اگر نتوانیم این ذهنیت را در درون خود اصلاح کنیم، به‌هیچ‌وجه قادر نخواهیم بود در دیدگاه و عملکرد اجتماعی تغییر ایجاد کنیم.

آلترناتیو: با گذشت چهار سال از انقلاب «ژن ژیان آزادی»، برخی منتقدان بر این باورند که انرژی عظیم این جنبش به دلیل فقدان سازوکارهای ساختاری منسجم تحلیل رفته است؛ چه دفاعی از دستاوردهای عینی این دوره ارائه می‌دهید؟

روکن نقده: هنگامی که انقلابی آغاز می‌شود و در مسیر آن تغییراتی به وجود می‌آیند، مواجهه با انتقاد امری طبیعی است. نگاه انتقادی می‌تواند به پیشاهنگان آن انقلاب کمک کند و در عین حال، راهی برای ایفای مسئولیت افراد در برابر جامعه باشد. انقلاب زن، که با فلسفه «ژن ژیان آزادی» آغاز شده است، تحولات ریشه‌ای به وجود می‌آورد. این انقلاب تابوها و سنت‌های دیرپا را زیر سؤال می‌برد و آن‌ها را به محکمه وجدان زنان و جامعه می‌کشاند

انقلاب «ژن ژیان آزادی» شیوه و مسیر ویژه خود را دارد و تغییرات آن هر روز از طریق مبارزه و مقاومت پیش می‌روند. در مقابل، یک انقلاب کلاسیک که هدف کوتاه‌مدتش صرفاً فروپاشی حاکمیت باشد، لزوما به ریشه‌های مسئله نمی‌پردازد؛ در نتیجه، حکومتی کنار می‌رود و حکومتی دیگر جای آن را می‌گیرد. از دستاوردهای این انقلاب می‌توان به اتحاد فراملیتی زنان و مردان در ایران اشاره کرد. همچنین، اتحاد میان تمام ملت‌های ساکن ایران امروز می‌تواند به سطحی تازه برسد. جامعه ایران در پی ایجاد سازوکارهای مشترک سیاسی و امنیتی نیز هست.

آلترناتیو: اگر در آینده‌ای نزدیک تحولات سیاسی سرنوشت‌سازی رخ دهد، چه تضمینی وجود دارد که حقوق بنیادین زنان و مطالبات مردمی بار دیگر قربانی مصلحت‌اندیشی‌های سیاسی و مردانه نشوند؟

روکن نقده: تضمین اساسی برای سازمان‌های زنان و تمام نهادهای اجتماعی، وجود سازوکار دفاع ذاتی و مستقل زنان است. بنابراین، هیچ تضمینی را نمی‌توان صرفاً از طریق وعده‌ها و سازوکارهای گفتاری فراهم کرد. به نظر من، سازمان‌های زنان،

به‌ویژه ما به‌عنوان کُرد، باید از طریق تقویت نیروی فکری و شکل‌دهی به شخصیت زنان و مردان برای زندگی مشترک آزاد، امنیت زنان و دستاوردهای آنان را تضمین کنند؛ به‌گونه‌ای که این دستاوردها قربانی مصلحت‌اندیشی‌های سیاسی و نظامی مردان نشوند.

آلترناتیو: نسل جدید زنان مطالبات متفاوتی در حوزه‌های فردی، آزادی‌های اجتماعی و سبک زندگی دارد؛ ژنئولوژی تا چه اندازه توانسته است زبان خود را با این مطالبات نوین تطبیق دهد؟

روکن نقده: بله، جوانان امروز هم از برخی ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی – اجتماعی محروم مانده‌اند و هم سبک زندگی متفاوتی دارند. اگر نسل جدید در خانواده با آموزش درست پرورش یابد، می‌تواند راه درست را از نادرست تشخیص دهد. نظام سرمایه‌داری با ایدئولوژی لیبرالیسم خود می‌کوشد آزادی فردی را به بی‌معیاری و این تصور تقلیل دهد که هرکس هر کاری بخواهد، می‌تواند انجام دهد؛ در حالی که آزادی فردی با آزادی اجتماعی پیوند دارد.

نباید فراموش کرد که ژنئولوژی، به‌عنوان دانش زن، دیدگاهی نوین دارد و می‌کوشد سبک‌های فکری و شیوه‌های زندگی گوناگون را درک کند. تاکنون

ژنئولوژی باید با نسل جدید در گفت‌وگو باشد
شناخت سبک‌های زندگی و مطالبات زنان جوان و پذیرش دیدگاه‌های تازه آنان، به ژنئولوژی امکان می‌دهد زبان خود را برای این نسل قابل‌فهم‌تر و جذاب‌تر سازد

برای برقراری ارتباط با نسل جدید زنان با مشکل جدی روبه‌رو نبوده است؛ زیرا در شناخت و تحلیل این نسل، گذشته تاریخی و افق آینده آن را نیز در نظر می‌گیرد. برخی سنت‌های دینی و اجتماعی ما جزم‌اندیشانه‌اند و فرصت و امکان لازم را برای شناخت و تحلیل کافی نسل جدید فراهم نمی‌کنند. اما

ژنئولـوژی می‌کوشـد تفکـراتی را کـه بن‌بسـت ایجـاد می‌کننـد، مـورد نقـد قـرار دهـد و بـرای یافتـن راه‌حـل، انعطاف‌پذیـر باشـد.

از همیـن رو، ژنئولـوژی تلاش می‌کنـد زبـان نسـل جدیـد زنـان را بـا تکیـه بـر فرهنـگ زنانـه دریابـد. شـاید هنـوز به‌طـور کامـل بـه ایـن هـدف نرسیـده باشـد، امـا تـا آنجـا کـه مشـاهده می‌کنیـم، ژنئولـوژی توجـه زنـان جـوان را بـه خـود جلـب کـرده اسـت و آنـان می‌کوشـند در چارچـوب دانـش زن، حقیقـت خـود و زنـدگی را بشناسـند. بـرای مـن جالـب اسـت کـه ایـن نسـل از نقـد ژنئولـوژی نمی‌ترسـد؛ برعکـس، آن را جـذاب و تـازه می‌دانـد. ژنئولـوژی بایـد در ایـن زمینـه بیشـتر تلاش کنـد تـا بـرای نسـل جـوان قابل‌فهم‌تـر و جذاب‌تـر شـود و پیوسـته در گفت‌وگـو بـا دیدگاه‌هـا و نظـرات تـازه ایـن نسـل قـرار گیـرد.

نظـام سـرمایه‌داری می‌کوشـد ایـن نسـل را بی‌حدومـرز و دور از واقعیـت زنـدگی بسـازد و چنیـن القـا کنـد کـه جوانـان بـه هیـچ ارزش اجتمـاعی و حافظـه تاریـخی احتـرام نمی‌گذارنـد. در حـالی کـه انسـان می‌توانـد بـا تکیـه بـر ارزش‌هـای انسـانی و اجتمـاعیِ شـکل‌گرفته در تجربـه تاریـخی، دسـت بـه نقـد بزنـد و در عیـن حـال، ایده‌هـا و راه‌هـای تـازه‌ای ارائـه کنـد.

آلترناتیـو: آیـا ژنئولـوژی راه تعامـل و همبسـتگی همه‌جانبـه بـا سـایر جنبش‌هـای صنـفی و مـدنی، همچـون معلمـان، کارگـران و بازنشسـتگان، را گشـوده اسـت یـا خـود را در دایـره‌ای بسـته محصـور کـرده اسـت؟

روکـن نقـده: ژنئولـوژی بـرای ایجـاد راه ارتبـاطی میـان جنبش‌هـای صنـفی و مـدنی، راهکارهـای ویـژه خـود را دارد. یـکی از ویژگی‌هـای آن، دفـاع از میـراث تاریـخی تمـام انقلاب‌هـای فکـری و تلاش بـرای گشـودن پلـی میـان پیوندهـای فکـری و تحقـق عملـی آن‌هاسـت. همان‌طـور کـه شـما نیـز شـاهد هسـتید، ژنئولـوژی دانـشی تازه‌تأسـیس اسـت؛ امـا امـروز در سراسـر جهـان، به‌عنـوان دیـدگاهی دربـاره زن و زنـدگی آزاد، توجـه جامعـه را بـه خـود جلـب می‌کنـد. ایـن دانـش می‌کوشـد بـه پرسـش‌های بی‌پاسـخ بپـردازد و بـا صنف‌هـا و جنبش‌هـای مـدنی گوناگـون ارتبـاط برقـرار کنـد.

درست است که ذهنیت دولت‌ملت‌های خاورمیانه و جزم‌اندیشی آن‌ها، و نیز نگاه جنسیت‌زده جوامع به زنان، اجازه پیشرفت سریع دانش زن را نمی‌دهد؛ با این حال، ژنئولوژی پیشرفت‌های قابل‌توجهی داشته است. این دانش می‌کوشد با وجود موانع پیش رو، در دایره‌ای بسته محصور نماند و به سرنوشت برخی دانش‌های دیگر دچار نشود. تجربه نشان داده است که دانشِ محصور در دایره‌ای بسته، به‌سوی حاکمان و صاحبان قدرت سوق پیدا می‌کند؛ ژنئولوژی با تلاش فراوان می‌کوشد از چنین سرنوشتی دور بماند.

آلترناتیو: اگر قرار باشد روزی عملکرد ژنئولوژی به نقد کشیده شود، شاخص موفقیت آن را باید در تغییر مناسبات قدرت در چه حوزه‌هایی (خانه، جامعه، سیاست یا اقتصاد) جست‌وجو کرد؟

روکن نقده: دانشی که پیشاهنگی اجتماعی را بر عهده می‌گیرد، ناگزیر با توجه به انتظاراتی که از آن وجود دارد، مورد نقد قرار خواهد گرفت. اما ژنئولوژی دیدگاهی ثابت و تغییرناپذیر نیست؛ زیرا در تمام جزئیات زندگی حضور دارد و عملکرد مشخصی نیز برای خود تعریف می‌کند. همان‌طور که در پرسش پیشین اشاره کردم، اگر ژنئولوژی پیوسته در حال نوآوری باشد و به چارچوبی محدود تبدیل نشود، از تکرار عملکردها نیز دور خواهد ماند و می‌تواند در برابر نقدهای جدی پاسخ‌گو باشد.

افزون بر این، انتقاد زنان و جامعه از ژنئولوژی به خواسته‌ها و انتظارات آنان بستگی دارد. بنابراین، اگر روزی عملکرد ژنئولوژی مورد نقد قرار گیرد، می‌توان آن را نه‌تنها در حوزه خانه، سیاست و اقتصاد، بلکه در تمام عرصه‌های زندگی بررسی کرد؛ زیرا ژنئولوژی دیدگاهی برای زندگی آزاد است.

آلترناتیو: بسیاری از منتقدان بر این باورند که جریان‌های مدنی در انتقال درست پیام خود به بدنه عمومی جامعه ضعیف عمل کرده و میدان را به پروپاگاندای مخالفان واگذار می‌کنند؛ برای شفاف‌سازی

و بازتاب بی‌واسطه صدای ژنئولوژی به جامعه، چه ابزار و راهبرد رسانه‌ای مدنظر دارید؟

روکن نقده: درست است که صدا و عملکرد جریان‌های مدنی بسیار ضعیف است و به همین دلیل نمی‌توانند به بدنه جامعه برسند. به نظر من، پروپاگاندا یکی از عوامل این وضعیت است؛ اما در برابر نیروی جنگ سردی که اجازه نمی‌دهد صدای این جریان‌ها به جامعه برسد، آن‌ها راهکارهای ویژه و مستقلی نداشته‌اند و از نظر فکری و عملی گرفتار تکرار شده‌اند. این شیوه‌های تکراری و فرسوده، توان کافی برای مقابله با جنگ سرد را ندارند. اگر اتحاد و تمرکز بر یافتن راه‌حل شکل بگیرد، بی‌شک می‌توان این سیاست جنگ سرد را بی‌اثر کرد.

در این زمینه، ژنئولوژی می‌کوشد با سازمان‌دهی گروه‌های زنان، جوانان، کودکان و سالمندان، نیروی واقعی این بخش‌ها را دوباره فعال کند. همچنین، حوزه‌هایی مانند زبان، هنر، اخلاق، باستان‌شناسی، ستاره‌شناسی، جامعه‌شناسی و پداگوژی را مورد پژوهش قرار می‌دهد و برای آگاه‌سازی جامعه، به‌ویژه زنان، دوره‌های آموزشی و آکادمیک برگزار می‌کند. ژنئولوژی به فعالیت میدانی باور دارد و از این طریق می‌کوشد خود را به بدنه جامعه پیوند دهد. از سوی دیگر، دارای آکادمی مستقلی است که هر فرد می‌تواند در آن به دانش لازم دست یابد تا مسئولیت تغییر در جامعه را بر عهده بگیرد.

بر پایه پژوهش‌ها و فعالیت‌های انجام‌شده، مطالب و مواد آموزشی فراوانی، از جمله کتاب‌ها و بروشورها، برای انتقال این دانش به جامعه آماده شده است. ژنئولوژی همچنین وب‌سایت و صفحات رسانه‌ای مجازی دارد تا بتواند با افراد بیشتری ارتباط برقرار کند. افزون بر این، رسانه‌هایی مانند ژن‌تی‌وی و زاگروس ۲۴ و برخی رسانه‌های دیگر نیز به فعالیت‌های ژنئولوژی می‌پردازند.

ALTERNATIVE

POLITICAL, IDEOLOGICAL & SOCIAL MAGAZINE



آلترناتیو

سال چهاردهم/ دوره‌ی چهارم/ شماره بیستم

آبان ۱۴۰۵